

تدوین دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به منظور بهبود تعامل اعضای خانواده

اکرم حسینی*، تکتّم جعفرزاده**، فهیمه رهبان**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۴/۰۹/۲۲

چکیده

آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط و تعامل مناسب اعضای خانواده با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند طراحی مناسب سازمان فضایی مسکن می باشد. با توجه به نیازهای متفاوت هر کدام از اعضای خانواده در هر سن و موقعیت، فضاهای مسکن باید به گونه ای طراحی گردند تا علاوه بر پاسخ گویی به نیازهای جسمی و روانی هر یک از اعضا، مانع ارتباط مناسب آن ها نیز نگردد زیرا بی توجهی به این مقوله، سبب تقویت فردگرایی و وارد آمدن صدمات جبران ناپذیری به بنیاد خانواده خواهد شد. با در نظر گرفتن نقش معماری به عنوان زمینه ساز شکل گیری نوع خاصی از رفتارها، هدف تحقیق، ارائه نحوه طراحی معماری به گونه ای می باشد که طی آن، نه تنها فضای کالبدی مسکن به عنوان مانعی در مسیر تعاملات بین فردی خانواده عمل نکرده، بلکه به عنوان زمینه ساز شکل گیری تعاملات خانواده نیز مطرح گردد. جهت نیل به این هدف، داده های حاصل از متون و پرسش نامه های باز تهیه شده به روش کیفی_تحلیل محتوی متن_مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. در نهایت دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به منظور بهبود تعامل اعضای خانواده در حوزه های طراحی قلمروهای فردی، قلمروهای جمعی، فضاهای ارتباطی و مفاصل و همچنین موقعیت قلمروها نسبت به یکدیگر و نسبت به ساختار کلی مسکن مورد مطالعه و تدوین قرار گرفت.

واژگان کلیدی: قلمروی فردی، قلمروی جمعی، تعامل بین فردی، خانواده، سازمان فضایی مسکن.

* استادیار دانشکده معماری، شهرسازی و هنر اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. Akram.hosseini@um.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

خانواده هسته‌ای‌ترین نهاد اجتماعی هر جامعه‌ای است که تمایل جنسی زن و مرد و روابط عاطفی پدر و مادر به فرزندان، زمینه شکل‌گیری آن را فراهم می‌آورد. بنابراین زوجیت و قرابت، عناصر اصلی سازنده خانواده به‌شمار می‌آیند (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴).

از دیدگاه راپاپورت، خانه در درجه اول، یک نهاد اجتماعی است و نه یک سازه برای کارهای پیچیده؛ حتی از ابتدا مفهوم خانه به معنای فضای عملکردی محض، مطرح نبوده، بلکه ایجاد محیطی مطلوب برای خانواده به مثابه محیطی اجتماعی وظیفه خانه قلمداد شده است (راپاپورت، ۱۳۶۹: ۴۶).

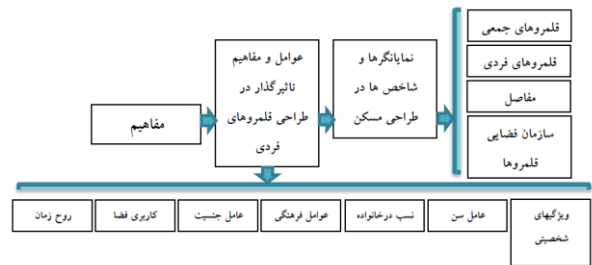
با توسعه شهرنشینی در ایران، خانه بسیاری از کارکردهای خود مانند محلی برای غذاخوردن، تفریح، ملاقات، برگزاری جشن و کار را به فضاهای شهری منتقل کرد. از طرفی، سبک زندگی امروز به گونه‌ای است که عده زیادی از مردم برای کار از خانه خارج شده و برای خواب به خانه بازمی‌گردند و به اصطلاح «کار-خانه-خواب» شده‌اند. در نتیجه، زمان حضور هر فرد در محیط خانه بسیار کم شده است.

فردگرایی یکی از شاخص‌های مهم رشد مدرنیته است. رشد فردیت در عرصه‌های مختلف از جمله زندگی خانوادگی در ایران تأثیرگذارده است. محدود شدن روابط همسایگی، میل به داشتن خانه شخصی مستقل و جدایی‌گزینی از خانواده و خانه پدری، تخصیص یافتن فضای خصوصی به هر یک از افراد خانواده، عدم تمایل افراد خانه به دیدن و دیده شدن توسط دیگر اعضا، اهمیت یافتن حریم خصوصی، تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون همگی بخشی از فرایند فردی‌شدن در مسکن امروز است. با تجهیز شدن اتاق‌ها با امکاناتی مستقل از امکانات اشتراکی خانواده، دیگر نیازی به حضور در فضای جمعی

خانه احساس نمی‌شود. این امر سبب جدایی‌گزینی و انزوای اعضای خانواده گردیده، به نحوی که هر شخص در گوشه‌ای از خانه به نام اتاق، به کاری مشغول است. در مسکن امروز، اتاق‌ها میان محرمان خانه مرز و جدایی انداخته و فضاهای جمعی به حاشیه رانده شده‌اند. از دیگر سو هم‌نوایی و هم‌فکری ناشی از تعامل افراد خانواده با هم و متعاقباً درک متقابل آن‌ها از هم از طریق فرایند سازگارشدن، سبب تقویت فرایند جامعه‌پذیری اعضا شده؛ با ممانعت از بروز پیامدهای اجتماعی به‌عنوان رهیافتی مهم در تحقق پایداری اجتماعی تلقی می‌گردد.

مطابق نظریات قابلیت محیط ساخته شده، فضاها، نقش‌های اجتماعی خاصی را بر ساکنان خود تحمیل کرده، برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند و در نهایت جهت و ابعاد جدیدی به رفتارهای ساکنان خود می‌بخشند (Gibson, 1982). طراح باید با به‌وجود آوردن فرصت‌های لازم، امکان استفاده از سودمندی‌های تعامل اجتماعی را برای افراد فراهم آورد. به نظر می‌آید سیاست‌های جاری معماری مسکن در ایران، امکان داشتن نظام فضایی که ظرفیت برقراری ارتباط میان ساکنین را ایجاد کند، از خانه‌ها سلب کرده، در نتیجه رفتار و عملکرد افراد خانواده از نظر تعامل اجتماعی دچار چالش جدی شده است. آنچه به‌عنوان پرسش در این تحقیق مطرح می‌شود این است که: آیا سازمان فضایی مسکن و قلمروهای آن نقشی در کمتر و یا بیشتر شدن تعامل اعضای خانواده با هم دارند؟ در صورت پاسخ مثبت، الگوی مناسب طراحی مسکن بدین منظور چگونه است؟ مطابق با پرسش‌های ذکر شده، هدف تحقیق شناسایی نقش سازمان فضایی مسکن و قلمروهای آن در ایجاد تعامل اعضای خانواده و تبیین الگوی مناسب طراحی مسکن در صورت وجود می‌باشد. ساختار تحقیق برای نائل

آمدن به اهداف مذکور، مطابق با مدل مفهومی نمودار شماره ۱ خواهد بود.



ن ۱. مدل مفهومی عوامل تأثیرگذار در طراحی قلمروها.
مأخذ: نگارندگان.

پیشینه تحقیق

تحقیقات بسیاری در حوزه علوم انسانی انجام شده که در آن به اهمیت نهاد خانواده پرداخته و آسیب‌شناسی پدیده‌های مربوط به آن مورد بحث قرار گرفته است. غالب آن‌ها تأکید بر این مهم دارند که تحولات گوناگون شکل گرفته در جامعه امروز سبب متزلزل شدن بنیان خانواده به عنوان نهادی اجتماعی گشته است. با وجود تأکید بر ارتباط معماری و علوم رفتاری در پژوهش‌های گوناگون، تاکنون مطالعه مدونی در حوزه معماری مسکن با هدف زمینه‌سازی بهبود آسیب‌ها و خلل‌های موجود در خانواده انجام نگرفته است. در این بستر، چگونگی پاسخ‌گویی خانه‌های تاریخی ایران به تأمین خلوت ساکنین موضوع مطالعه گروهی از پژوهشگران قرار گرفته و نتایج ارزنده‌ای کسب شده است. برخی از این تحقیقات به شرح ذیل می‌باشند:

مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی مفهوم خلوت در خانه درونگرای ایرانی و خانه برونگرای غربی» به شناخت انواع و درجات خلوت در دو فرهنگ ایرانی و غربی پرداخته و سپس بررسی این‌که چگونه خلوت به عنوان مفهومی فطری و فرامرزی به بروز نمادهای معمارانه خاص در خانه‌ها منتج شده است (نصیری: ۱۳۸۸).

پژوهش «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی» شناخت مفهوم خلوت در حوزه فرهنگ اسلامی و چگونگی برخورداری خانه‌های تاریخی ایران از این مفهوم را مورد بررسی قرار داده است (ارژمند، خانی: ۱۳۹۱).

در پژوهشی متفاوت با عنوان «مرتب تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده» به شناخت خانواده گسترده و بررسی امکان یا ضرورت احیای آن در جامعه امروز و جستجوی ویژگی‌های ظرف زندگی این خانواده پرداخته شده است (صیرفیان پور: ۱۳۹۰).

تعاریف واژگان کلیدی

قلمرو: هر موجود زنده‌ای به منظور انجام امور روزمره خود نیازمند محدوده فضایی است که فعالیت‌هایش را در آن انجام داده، نسبت به آن احساس مالکیت کرده و با حریمی آن‌را از محدوده‌های مجاور جدا سازد. این فضای محافظت‌شده و حریم و مرزهای آن تحت عناوین «قلمرو» و «مفاصل» در معماری مورد توجه قرار می‌گیرند (علی‌الحسابی، دانشمند، ۱۳۸۷: ۲). قلمروی مکانی، فضای محدود شده‌ای است که افراد از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده می‌کنند. رفتار قلمروپایی سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری، تعلق آن به فرد بیان می‌گردد (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۶۹).

شخصی‌سازی که موجب احساس مالکیت بر مکان می‌گردد، فرایندی است که به وسیله نشانه‌گذاری، یکپارچگی و همسانی اشیاء یک مکان حاصل می‌آید (آلتمن، ۱۳۸۲، ۶۵).

هر چه ارتباطات بینایی، بویایی و شنوایی هر قلمرو فضایی با محیط پیرامون خود کمتر باشد، مرزهای قلمرو قوی‌تر و پررنگ‌تر است و بنابراین استقلال هر فضا بیشتر و شناسایی قلمرو محسوس‌تر است (علی‌الحسابی، دانشمند، ۱۳۸۷: ۲).

تعریف عملیاتی واژه قلمروی فردی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، حدود مکانی از مسکن است که علاوه بر دارا بودن خصوصیات عمومی قلمروها، غالب فعالیت‌های فردی شخص در آن فضا به‌وقوع می‌پیوندد. قلمروی جمعی نیز حدودی از مسکن است که جهت اجتماع اعضای خانواده طراحی گشته است. در مسکن معاصر اتاق‌ها به‌عنوان قلمروهای فردی و نشیمن - و فضاهای وابسته به آن - به‌عنوان قلمروهای جمعی عمل مینمایند.

خلوت: کنترل مرز درونی انسان و مکانیزمی جهت کنترل ارتباطات است. در واقع خلوت، پروسه‌ای است که درجات فواصل را در زمان‌های خاص مشخص می‌کند. خلوت نیرویی بین نیروی جذب و فاصله است و در زمان‌های متفاوت و با شرایط متغیر، نقش هر یک از این قطب‌ها بیشتر و یا کمتر می‌شود (فلاح، برهمن، ۱۳۹۱: ۲۰). «آموس راپاپورت^۱ خلوت را حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی و توانایی کنترل تعامل اجتماعی دلخواه فرد تعریف می‌کند (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

«وستین^۲ چهار عملکرد خلوت را این‌گونه بیان می‌دارد: ۱- نخستین کارکرد خلوت، استقلال فردی است که محور مرکزی آن، فردیت و مسئله ارزش، استقلال و هویت فرد است. ۲- خلوت ارتباط نزدیکی با حس کنترل یا خودمختاری داشته، توانایی انتخاب انزوا و گوشه‌نشینی یا همراهی دیگران، سبب ایجاد قدرت در تصمیم‌گیری در فرد گشته، عدم وجود چنین توانایی سبب احساس درماندگی می‌گردد. ۳- خلوت برای حس هویت مهم است، انزوا، صمیمیت و نزدیکی، به‌ویژه می‌تواند برای ارزیابی و پیشرفت در زندگی استفاده شوند و مشخص کنند که ما واقعاً که هستیم، ارتباط ما با دیگران چگونه است و چگونه باید باشد. ۴- خلوت، اجازه آزادسازی هیجانات را می‌دهد. در خلوت و تنهایی

فرد می‌تواند گریه کرده، اشعار را دیوانه‌وار با صدای بلند بخواند و با خود صحبت کند (Westin, 1970).

عوامل و مفاهیم تأثیرگذار در طراحی قلمروهای فردی
رعایت و حفظ فضای شخصی و وجود قلمروگرایی سبب ایجاد حس خلوت و متعاقباً تسهیل تعامل اجتماعی می‌گردد. در واقع یکی از عملکردهای اصلی رفتاری قلمروخواهی در انسان، حفظ و تنظیم خلوت‌گزینی و داشتن جایی است که فرد بتواند در آن خلوت کند و بر فعالیت‌هایش کنترل داشته باشد (فلاح، برهمن، ۱۳۹۱: ۲۰). عوامل گوناگون و بی‌شماری در میزان نیاز به قلمروهای فردی به‌منظور نیل به درجات گوناگون خلوت تأثیرگذار می‌باشند، که عمده این عوامل به شرح ذیل هستند:

عوامل فرهنگی

رفتارهای ناشی از قلمروطلبی دارای گرایش‌های فرهنگی هستند، بنابراین قلمرو را باید در حیطه فرهنگ، روابط اجتماعی و آداب و رسوم خاص هر خانواده بررسی کرد. بدین ترتیب هر خانوار نیازمند زبان معماری مسکونی خاص خود می‌باشد. (فریادی، ۱۳۷۸: ۱۱) راپاپورت (۱۹۷۷) معتقد است که در دید مردم نسبت به خلوت تفاوت‌های اساسی فرهنگی وجود دارد و مردم در موارد زیادی برای پاسخ به نیازهای فرهنگی خود از آسایش جسمانی صرف نظر می‌کنند (لنگ، به نقل از عینی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۷۷).

روح زمان

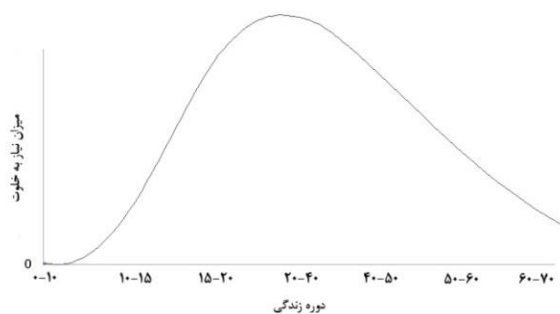
میل به برخورداری از قلمروهای خصوصی در بستر زمان تفاوت‌های زیادی داشته است. با وجود برخورداری خانه‌های تاریخی ایران از تعداد زیادی اتاق، هیچ کدام از آن‌ها به‌عنوان فضای اختصاصی اعضای خانواده شخصی‌سازی نمی‌شد، با اعمال سلیقه‌های فردی نیز آرایش نمی‌گردید. این اتاق‌ها در شرایط متفاوت و یا با

کاربری فضا

قلمرو نمود فضایی و عینی احساس تعلق و تملک آدمی است که برخاسته از اصل حب ذات و میل به آسایش و آرامش است؛ انسان قلمروخواه با مکانی که در آن زیست می‌کند، دلبستگی قوی عاطفی برقرار کرده، از آن در برابر هرگونه تجاوز خارجی دفاع می‌کند. تمامی فضاها قابلیت مطرح شدن به عنوان قلمروی فردی را در خود ندارند. این دلبستگی به فضاهایی ایجاد می‌گردد که به گونه‌ای انسان احساس مالکیت بر آن فضا را داشته باشد. مسکن با هر کیفیت و مقیاسی که باشد این دلبستگی را در فرد ایجاد می‌کند.^۴

عامل سن

با توجه به فواید خلوت، افراد در سنین مختلف به سطح متفاوتی از خلوت و متعاقباً قلمروهای فردی نیاز دارند. در این بین نوجوانان بالاترین میزان تمایل به داشتن قلمروهای فردی را داشته، کودکان و سالمندان به دلیل وابستگی به دیگران جهت تأمین نیازهای جسمانی خود، نسبت به دیگر گروه‌های سنی نیاز کمتری به خلوت و در نتیجه قلمروهای فردی دارند (فلاح، برهن، ۱۳۹۱: ۲۷). کودکان در سنین رشد هنگام گفتگو با کودکان هم سن خود نسبت به بچه‌های بزرگ‌تر فاصله فیزیکی کمتری را رعایت می‌کنند (ارژمند، خانی، ۱۳۹۱: ۳۰).



ن ۲. میزان نیاز به خلوت در سنین مختلف.
مأخذ: نگارندگان.

ورود افراد غریبه و مهمان، فعالیت‌های متفاوتی را در خود جا می‌دادند. لذا افراد در هر کدام از فضاها که قرار می‌گرفتند امکان حضور اعضای دیگر خانواده در آن فضا وجود داشت و محدودیتی به عنوان قلمروهای فردی که تعیین کننده مرزها باشد نیز وجود نداشت. حضور افراد خانواده در فضاهایی با کیفیت‌های مختلف، سبب ارتباط آن‌ها با هم در زمان‌های گوناگون می‌گردید.

با وجود این که خانه تاریخی، به عنوان حریم امن خانواده، درون خود را کاملاً از بیرون جدا کرده^۳ و با استفاده از کلیه عوامل کالبدی مرزهای قاطعی با بیرون برای خود قائل بود، ولیکن در داخل خانه به جز زمان‌های ضروری، بین اعضای خانواده مانعی ایجاد نمی‌شد. به عنوان مثال فضای خواب کودکان از والدین جدا می‌شده، اما فضای اختصاصی جهت کودکان تأمین نمی‌گشته است. نکته مهم این که شخصی نشدن اتاق‌ها، در پاسخ‌گویی خانه جهت تأمین مکان خلوت مانعی ایجاد نمی‌کرد. فضاهایی مانند پستوخانه، صندوق‌خانه، زاویه، کنج (خلوت‌خانه)، بالاخانه و اتاق گوشواره تأمین کننده فضاهای خلوت مورد نیاز افراد بوده‌اند (ارژمند، خانی، ۱۳۹۱: ۳۵). به بیانی دیگر شرط لازم جهت این که فضایی بتواند تأمین کننده خلوت باشد، شخصی شدن آن نبوده است.

در مسکن امروز، کودکان از دوره طفولیت، دارای اتاق شخصی با امکان محدود کنترل والدین بر زندگی خصوصی خود می‌باشند. با توجه به این که هر فرد می‌بایست اتاق مخصوص خود را داشته باشد، ملاک انتخاب خانه، برخورداری از اتاق خواب‌هایی به تعداد افراد خانواده می‌باشد. در نتیجه زندگی هر کس به اتاق خصوصی وی انحصار یافته و دیگر نیازی به دور هم بودن احساس نمی‌شود. در این خانه‌ها در بیشتر مواقع، خلوت کسب شده بیش از خلوت مطلوب می‌باشد.

عامل جنسیت

جنسیت افراد خانواده در تعیین میزان خلوت مورد نیاز آن‌ها تأثیرگذار می‌باشد. مردان و زنان، در حالات و روحیات و عواطف و احساسات با هم تفاوت‌های روشنی دارند. مطالعات مدونی در این خصوص انجام پذیرفته ولیکن استنباط از سایر موضوعات، حکایت از تمایل بیشتر زنان بر داشتن قلمروهای فردی نسبت به مردان دارد. در طراحی خانه‌های سستی ایران به دلیل حاکمیت مذهب عامل جنسیت بیشترین تأثیر را در طراحی فواصل فضایی داشته است. بر این اساس فواصل فضایی در بین جنس‌های یکسان کمتر و در بین جنس‌های مخالف بیشتر بوده است (فلاح، برهن، ۱۳۹۱، ۲۲).

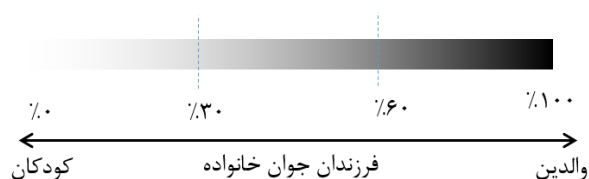
نسب در خانواده

یکی دیگر از فاکتورهایی که در تعیین میزان نیاز به خلوت در خانه اهمیت دارد، نسب افراد در خانواده است. والدین و فرزندان به سطح متفاوتی از خلوت و در نتیجه سطح متفاوتی از قلمروهای فردی نیاز دارند. در خانه، بالاترین نیاز به قلمروهای فردی مربوط به والدین و کمترین نیاز مربوط به فرزندان است (جدول شماره ۱).

نوع	تنهایی	نزدیکی و محرمیت	گمنامی	خودداری یا توداری
مفهوم	دور از چشم دیگران بودن	گروه کوچک از دیگران جدا می‌شوند	فرد در جمع گم می‌شود.	ایجاد مانع برای مزاحمت‌های ناخواسته
کارکرد آن در خانواده	در خانواده با توجه به جنس و سن، شخصیت، موقعیت اجتماعی متفاوت است.	زن و شوهر از دیگر اعضای خانواده	در خانه این خلوت مفهومی ندارد.	بی‌اعتنایی به حضور دیگر اعضای خانواده
مصدق	والدین فرزندان	والدین	-	والدین فرزندان

ج ۱. انواع خلوت در خانه با توجه به نسب. مأخذ: نگارندگان.

حریم خلوت، حریم جسمانی، حریم اطلاعات، حریم جنسی، حریم ارتباطات، حریم شخصیت از جمله مصادیق حریم خصوصی در روابط اعضای خانواده به شمار می‌آیند (نقیبی، ۱۳۸۹، ۲۱). که هر کدام با توجه به موقعیت فرد در خانواده معنای متفاوتی به خود می‌گیرد.



ن ۳. میزان نیاز به خلوت وابسته به نسب در خانواده. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی‌های شخصیتی

در حقیقت این انسان است که با ویژگی‌های شخصیتی گوناگون ارزش‌هایی را به عنوان معیار، برای خود قرار می‌دهد. این ارزش‌ها خوی و خلیات او را شکل داده و در نتیجه نوعی از خلوت را برای او تعریف می‌کند. به نظر می‌آید اشخاص برون‌گرا نسبت به اشخاص درون‌گرا به دلیل این‌که تمایل بیشتری جهت حضور در جمع دارند به فضاهای خصوصی کمتری نیاز داشته و در صورت وجود چنین فضاهایی زمان کمتری را در آن می‌گذرانند. البته در مطالعه دیگری این ویژگی با رابطه‌ای معکوس بیان شده است (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۷۶). مؤلفه‌های گوناگونی در شخصیت قابل بیان هستند که چگونگی آن‌ها در نیاز به قلمروخواهی انسان مؤثر می‌باشد.

بررسی نقش طراحی در ایجاد تعادل بین قلمروهای فردی و جمعی مسکن

با وجود این‌که در قسمت فوق عواملی برشمرده شد که نشان می‌داد نیاز به داشتن قلمروهای شخصی به منظور تأمین خلوت وابسته به عوامل گوناگون بوده و مقدار صلب و ثابتی ندارد، با این حال، این سطح در بازه‌ای قرار می‌گیرد که طی آن حضور در قلمروهای فردی مانع

خانواده مختار و آزاد باشند که بسته به شرایط گرد هم آیند یا جدا از هم به سر برند (آلتمن، ۱۳۸۲: ۴۶).

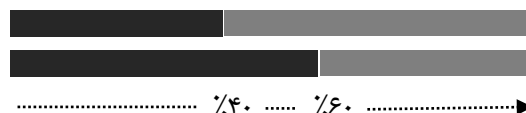
به نظر می‌آید اهداف طراحی مسکن امروز ایران، تأمین اصولی که منجر به رشد شخصیتی و تکامل روحی ساکنین شود، نیست. این که چگونه می‌توان سیاست‌هایی را در طراحی مسکن اعمال کرد که سبب تعامل افراد خانواده با هم شود ولیکن به قلمروهای فردی تأمین کننده خلوت نیز آسیبی وارد نیاورد، موضوعی است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آن‌جا که نیازهای رفتاری ساکنان در چگونگی طراحی مسکن مؤثر می‌باشد، نمی‌توان راهکارهای ثابت و جزمی را ارائه نمود تا طی آن تصور پاسخ‌گویی به مسئله فوق پیش آید؛ ولیکن می‌توان الگوهایی را به عنوان روش‌های طراحی به منزله زمینه‌ساز پاسخ مناسب مطرح نمود.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت این پژوهش که هدف آن مطالعه‌ای ژرف در بستری پیچیده با متغیرهای گسترده، با سلسله متنوعی از فرایندها و تدابیر است، از روش تحقیق تحلیل محتوا استفاده می‌گردد. این روش ضمن برخورداری از فرایند قابل برنامه‌ریزی شامل مراحل گردآوری داده‌ها، تلخیص داده‌ها/کدگذاری، نمایش داده‌ها، نتیجه‌گیری و تأیید می‌باشد (گروت، وانگ، ۱۹۵۴: ۱۹۵-۱۹۱). تدابیر تولید معنا به سه شیوه توصیفی، تحلیلی، تبیینی که منجر به ساخت زنجیره‌ای منطقی از مدارک و ایجاد انسجامی مفهومی/نظری بین آن‌ها می‌باشد (همان) شکل گرفت. محتوای مورد بررسی در این تحقیق شامل محتوای متونی است که به روش کتابخانه‌ای و میدانی تومانی حاصل آمد. در قسمت اول، از اطلاعات و اسنادی که توسط صاحب‌نظران در این زمینه نگاشته شده بود، جهت تولید چهارچوب نظری طرح بهره جسته شد. در قسمت بعد نیز، پرسشنامه‌های باز با سی سوال طراحی گردید. بخش اول

حضور مؤثر در جمع^۶ نگردد. چرا که در فرایند رشد روانی انسان، نیاز به، با خود بودن و نیاز به، با دیگران بودن^۷ به عنوان دو نیاز ضروری جایگاه ویژه‌ای در سلسله نیازهای انگیزشی بشر^۸ داشته و هر الگوی جاری رفتار آدمی نیازمند سطح مطلوبی از هر دو نوع ارتباط می‌باشد. به نظر می‌آید انسانی با شخصیت سالم بین ۶۰٪-۴۰٪ از زمان خود را با خود و زمان باقی مانده را با دیگران صرف می‌نماید^۹.

میل به تعامل میل به خلوت‌گزینی



ن ۴. سطح مطلوب بودن با خود یا دیگران. مأخذ: نگارندگان.

ایجاد این تعادل به وسیله عناصر کالبدی و در بستر فردی و اجتماعی هر جامعه‌ای و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی آن پاسخ داده می‌شود.

ژروار^{۱۰} (۱۹۶۶) می‌گوید: در زندگی خانوادگی مهم این است که هر یک از اعضای خانواده اتاقی داشته باشد تا بتواند در آن به تنهایی و دور از دیگران به سر برد. شوارتز^{۱۱} (۱۹۶۸) بیان می‌دارد: وسایلی مثل در، دیوار، نرده و تابلو از ورود ناخواسته افراد به حریم فرد جلوگیری می‌کنند. شرمایف و الکساندر^{۱۲} (۱۹۶۳) پیشنهاد کرده‌اند که طراحی داخلی خانه باید طوری باشد که هم رابطه متعادل اعضای خانواده با بیرون میسر باشد و هم تعامل افراد در داخل خانه تأمین شود. آن‌ها همچنین بر اهمیت خانه‌ای خاص برای خانواده تأکید کرده‌اند که در آن پدر و مادر و فرزندان بتوانند در مواقع لازم جدا از یکدیگر به سر برند و از لحاظ بصری و صوتی نیز از هم جدا باشند. در واقع آن‌ها بر این عقیده‌اند که هم میان خانواده و بیرون و هم میان اعضای خانواده باید مرزهای فیزیکی وجود داشته باشد و هم اعضای

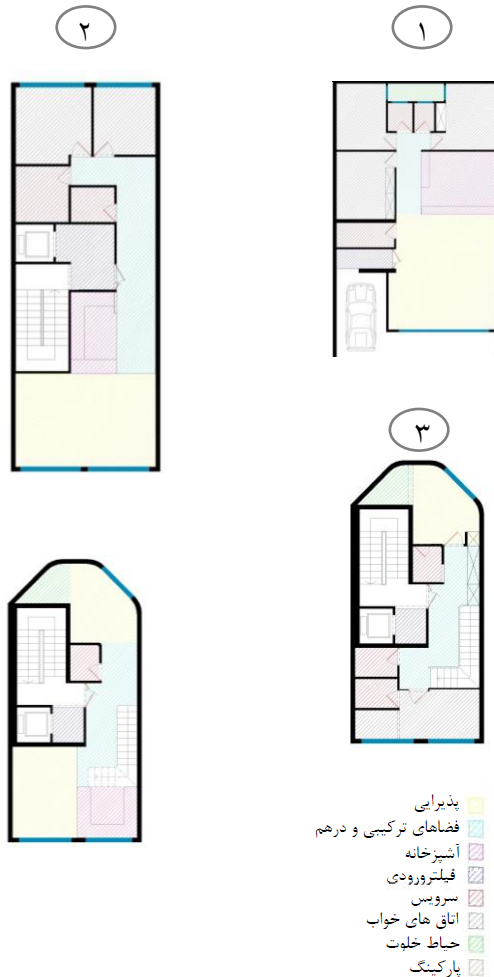
سوالات بیان‌کننده مشخصات فردی اعضای خانواده؛ بخش دوم مربوط به ویژگی‌های کالبدی و کیفی قلمروهای جمعی و بخش سوم شامل آرایش و چیدمان قلمروهای فضایی، ارتباطات آن‌ها، درجه خلوت فضا و حدود قلمروهای سه‌گانه از نظر هر فرد: شامل قلمرو اولیه (خصوصی)، ثانویه (نیمه خصوصی و نیمه عمومی) و عمومی بود.

در این راستا از مشارکت کنندگان خواسته شد تا توصیفی دقیق از خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، ارائه دهند. توصیفات می‌توانست به هر شکل که پاسخ‌دهندگان نسبت به آن تمایل نشان دهند، صورت پذیرد. سپس با توجه به نسبت افراد در خانواده-والدین و فرزندان-متغیرهای تحقیق مورد پرسش قرار گرفتند. جهت اطمینان از صحت پاسخ‌ها، در مرحله بعد، با مراجعه تصادفی به برخی از پاسخ‌دهندگان، مصاحبه‌ای حضوری نیز صورت پذیرفت. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و مصاحبه به روش تحلیل محتوا، کدگذاری و سپس دسته‌بندی شده، در کنار اطلاعات حاصل از مطالعات اولیه قرار گرفتند. نتایج ارائه شده، حاصل تحلیل نهایی داده‌های حاصل از هر دو روش می‌باشند.

جامعه نمونه و الگوهای مسکن مشارکت کنندگان

با توجه به اینکه الگوهای رایج مسکونی ایران عمدتاً شامل مسکن ویلایی، آپارتمانی و دوبلکس می‌باشد، جامعه آماری این پژوهش از بین ساکنین سه مجموعه از مجموعه‌های مسکونی شهر مشهد انتخاب شد، به گونه‌ای که هر کدام از مجموعه‌ها بیشترین ویژگی گونه خود را داشته باشند. به این منظور مجموعه مسکونی شرکت گاز به نمایندگی از الگوی مسکن ویلایی، مجتمع مسکونی غدیر به نمایندگی از الگوی مسکن آپارتمانی و منازل مسکونی خیابان هنرستان به نمایندگی از الگوی مسکن دوبلکس انتخاب گردیدند. تعداد پاسخ‌دهندگان در هر گروه نیز با توجه به فراوانی هر کدام از سه الگو انتخاب

گردید. لذا از بین هفتاد پاسخ‌دهنده، ۲۰ نفر از مجموعه مسکونی شرکت گاز، ۴۰ نفر از مجتمع مسکونی غدیر و ۱۰ نفر از منازل مسکونی خیابان هنرستان انتخاب گردید. جنسیت پاسخ‌دهندگان به میزان مساوی از هر دو جنس و بازه سنی آن‌ها به دلیل برخورداری از دو گروه والدین و فرزندان از ۱۵ تا ۶۰ سال با میانگین سنی ۳۶ سال می‌باشد. در انتخاب مجموعه‌ها به وجود شباهت بین ساکنان به لحاظ برخورداری مالی و فرهنگی نیز توجه گردید.



ت ۱. الگوی مسکن مشارکت کنندگان. (۱- ویلایی شرکت گاز)، (۲- آپارتمان غدیر)، (۳- دوبلکس هنرستان).

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای پرسشنامه‌های تحقیق

همان‌گونه که بیان گردید، از تدابیر تولید معنا به سه شیوه توصیفی، تحلیلی، تبیینی جهت ساخت زنجیره‌ای منطقی از مدارک و ایجاد انسجامی مفهومی / نظری

بین آن‌ها استفاده شد. در مرحله توصیف داده‌ها، اطلاعات حاصل از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق در هر سه نمونه الگوی مسکن، تلخیص و کدگذاری و در جداولی - به‌عنوان نمونه جدول شماره ۲- نمایش داده شد.

آپارتمان مسکونی غدیر	ویلاهی مسکونی شرکت گاز	دوبلکس مسکونی هنرستان
قلمرو جمعی آیا از فضای نشیمن خانوادگیتان راضی هستید؟ نور آن چگونه است؟ آیا فضای نشیمن در ارتباط با فضای باز است؟ آیا در اوقات روز با خانواده دور هم جمع می‌شوید؟ چند ساعت در روز با افراد خانواده دور هم جمع می‌شوید؟	والدین ارتباط خوبی با اتاق‌های خواب دارد و به آنها نزدیک است ولی دید و منظر ندارد و نور یکنواخت مهتابی همه جادیده میشود.	فضای بزرگی دارد و چون به فضای آشپزخانه نزدیک است می‌توانم علاوه بر انجام کارها با خانواده صحبت کنم. معمولاً در زمان صرف غذا دور هم جمع می‌شویم.
فرزندان اگر به فضا باز دسترسی بهتری بود بیشتر در آنجا می‌ماندم.	ارتباط کمی با فضای بیرونی وجود دارد. فضای داخلی تاریک و فضای بیرونی روشن است، بدون ارتباط قوی.	فضا بزرگ است و هر طور که بخواهم می‌توانم چیدمان را عوض کنم.
والدین دوست دارم بیشتر زمانم را در نشیمن کنار خانواده باشم اما وجود اتاق به تعداد اعضای خانواده هم لازم است.	داشتن اتاق برای کارهای شخصی خوب است مادر نشیمن خانواده دور هم جمع می‌شوند. ترجیح می‌دهم با نشیمن بهتر و بزرگتر بیشتر زمانم را با خانواده بگذرانم.	اتاق‌ها از نشیمن دور هستند چون در طبقه دیگری قرار دارند. اگر اتاق‌ها به نشیمن نزدیک تر بود زمان بیشتری را در نشیمن می‌گذرانیدیم.
فرزندان در اتاق راحت تر هستم و دوست دارم اتاق از نشیمن دور باشد. اتاق برایم دنج تر است و بیشتر کارهایم را در آن جا انجام می‌دهم.	اتاقم را ترجیح میدهم و دوست دارم زمان بیشتری آن جا باشم. اتاق از نشیمن دور باشد بهتر است. اتاق نور مطلوبی دارد و بزرگ است.	زمان کمی در نشیمن هستم چون در طبقه پایین است ترجیح می‌دهم زمان بیشتری در اتاقم بمانم. نور یکنواختی دارد. اتاقم در طبقه بالا تراس دارد ولی دید و منظر خوبی ندارد چون مشرف به همسایه است.
والدین راهروی طولانی ارتباط بصری را بسته است. در صورتی که بهتر بود نشیمن قابل رویت باشد.	به تمامی فضاهای خانه دید دارم. زمانی که نشیمن دلپاز باشد و با فضای باز ارتباط داشته باشد و هر طور بخواهم چیدمان آن را عوض کنم، ترجیح می‌دهم آن جا بمانم.	نشیمن در طبقه دیگری است. دوست داشتم اتاقم نزدیک نشیمن بود تا بتوانم زمانی در کنار سایر اعضا خانواده باشم.
فرزندان مایل نیستم زمانی که در اتاقم باز است نشیمن دیده شود. اگر در نشیمن جای دنجی برای مطالعه، تماشای تلویزیون و حتی استراحت پیدا شود.	اشراف از اتاق به نشیمن را دوست ندارم. ترجیح می‌دهم در اتاقم بمانم و از آن جا با مادرم که در آشپزخانه است صحبت کنم.	اتاق در طبقه بالاست و من بلافاصله پس از ورود به خانه به اتاقم در طبقه بالا می‌روم اگر نشیمن ارتباط خوبی با اتاق می‌داشت می‌توانستم زمانی را هم در نشیمن بگذرانم.
والدین فضای نشیمن با سایر فضاها ارتباط نزدیکی دارد. از راهرویی که با آشپزخانه ارتباط دارد به اتاق می‌روم.	در زمان ورود به خانه از نشیمن عبور کرده و وارد اتاق می‌شوم سلسله مراتب تا حدودی رعایت شده.	گاهی متوجه آمدن فرزندم نمی‌شوم. مستقیم به اتاقش در طبقه بالا رفته است. برای صرف غذا کنار خانواده و تماشای تلویزیون.
فرزندان اتاق‌ها کمی از نشیمن دور هستند. پس از ورود به خانه اول به اتاقم می‌روم.	اتاق کمی از ورودی دور است و ما باید اول وارد نشیمن شده سپس به اتاق برویم.	وقتی وارد خانه می‌شویم بدون سلسله مراتب و ارتباط با نشیمن به اتاق در طبقه بالا می‌روم.

ج ۲. نمایش داده‌های حاصل از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان.

مرحله تحلیل محتوای متن با تحلیل داده‌های حاصل از جداول قسمت اول انجام گردید. تحلیل‌ها بازگوکننده تفاوت معنادار دیدگاه ساکنان هر گونه، نسبت به نقش فضای زندگی در چگونگی ارتباط آن‌ها با دیگر اعضای خانواده بود. پس از دسته‌بندی موضوعات مستخرج از متون پاسخ‌ها

و تعیین واژه‌های بازگوکننده رضایتمندی، به شمارش واژه‌ها پرداخته شد و میزان رضایت‌مندی مشارکت‌کنندگان از طراحی قلمروهای مسکن خود استخراج گردید. جدول شماره ۳ تبیین‌کننده میانگین این اعداد و همچنین نشان‌دهنده بالاترین قابلیت هر کدام از الگوها در ارائه قلمروی مناسب می‌باشد.

	نشیمن (قلمرو جمعی)	اتاق (قلمرو فردی)	مفاصل	روابط فضایی قلمرو فردی و جمعی
ویلاهی مسکونی شرکت گاز	والدین	٪۶۰	٪۳۰	٪۸۰
	فرزندان	٪۴۰	٪۱۰	٪۷۰
آپارتمان مسکونی غدیر	والدین	٪۵۰	٪۴۰	٪۴۰
	فرزندان	٪۴۰	٪۶۰	٪۸۰
دوبلکس مسکونی هنرستان	والدین	٪۹۰	٪۳۰	٪۲۰
	فرزندان	٪۷۰	٪۶۰	٪۸۰

ج ۳. میانگین درصد رضایتمندی از طراحی قلمروها در هر الگو.

ارائه دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به منظور بهبود تعامل اعضای خانواده

در مرحله نهایی ابتدای نتایج حاصل از تحلیل دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق با مطالب حاصل شده از چهارچوب نظری تحقیق، مقایسه گردید. انطباق معنادار دو دسته داده‌ها حاکی از صحت و دقت هر کدام در گروه خود و نسبت به یکدیگر می‌باشد و امکان ارائه دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن را میسر می‌سازد. به این منظور در چهار گروه قلمروهای جمعی، قلمروهای فردی، مفاصل و آرایش فضایی قلمروها نکاتی تبیین خواهد شد که رعایت آن‌ها ضمن بالابردن رضایتمندی ساکنان از مسکن سبب بهبود تعامل اعضای خانواده خواهد گردید.

قلمروهای جمعی

کیفیت فضای جمعی^{۱۳} و تعاملی در خانه از جمله عواملی است که در افزایش یا کاهش فردگرایی افراد

تأثیرگذار می‌باشد. در صورتی که فضای جمعی (نشیمن) به لحاظ کمی و کیفی ویژگی‌های مناسبی داشته و با فعالیت‌ها و امکانات گوناگون، با زندگی ساکنان هماهنگ شده و خرسندی آن‌ها را فراهم کند، به دلیل تمایلی که از سوی تک تک اعضای جهت حضور در آن فضا پیش می‌آید، جمع شدن و با هم بودن در فضای تعاملی صورت می‌پذیرد.

به عنوان نمونه فضاهای جمعی خانه‌های تاریخی، در مرکز مشرف به فضای باز و سرسبز قرار داشته، ارسی‌ها و ایوان‌های دل‌باز و همچنین پنجره‌های بزرگی که اهالی خانه را با حیاط و طبیعت بیرون مرتبط کند، سبب کیفیت بخشی به آن می‌شد (حکیم، ۱۳۸۱: ۶۸).

لحاظ کردن شاخص‌های اثربخشی در فضاهای جمعی مسکن زمینه‌ساز ایجاد قابلیت در فضا خواهد شد که ساکنین را به فضا جذب کرده، به لحاظ زمان ماندگاری حضور را موجب گردد. نتایج حاصل از داده‌ها قابلیت طبقه‌بندی به دو دسته اصلی را دارد.

داشته شدن، مستلزم وجود قرارگاه کالبدی مناسبی می باشد. شیوه زندگی و ارزش ها و هنجارهای جاری زندگی بر کیفیت تعامل کاربران و محیط ساخته شده دلالت دارند. از این رو توجه به بستر مورد مطالعه در طراحی ضروری است. فضایی که بتواند به عنوان ظرف این امکان قرار بگیرد، در درجه اول باید پاسخگوی نیازهای اولیه انسان باشد. برخی از ویژگی های حاصل آمده، به شرح ذیل طبقه بندی می گردند:

- آسایش جسمانی-روانی: معماری فضای جمعی باید تمامی مؤلفه هایی که موجب آسایش جسم و روان اعضای خانواده می گردد را به عنوان حداقل شرایط ایجاد کند. به عنوان نمونه: نور مناسب، عدم وجود آلودگی صوتی، دمای مناسب، تهویه مناسب، رنگ مناسب و صدای مطبوع. - ادراک طبیعت: ادراک طبیعت در محیط کالبدی دارای وجهه جمعی است. هرگاه محیط ساخته شده امکان ادراک طبیعت و عناصر طبیعی را در فضا فراهم آورد، اثر معناداری بر تمرکز فضایی و تشکیل کانون های فعالیت در نقاط خاصی از فضاهای فعالیت خواهد داشت (دانش گر و دیگران، ۱۳۹۰، ۳۴).

- ادراکات ذهنی: زیبایی بصری و ابعاد زیبایی شناسانه، نظم و هماهنگی، تعین و تشخیص فضا، ابعاد و تناسبات به تمایل به حضور و ماندگاری در فضا منجر خواهد شد. حاصل مطالعاتی که در این خصوص انجام گرفته بیان می دارد ارزش فضاهای جمعی نه به بزرگ بودن آن، بلکه به صمیمیت فضایی آن است^{۱۴} (Burgess et al., 1988; Huang, 2006).

- اجتماع پذیری: ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می دهد مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت ها در آن است. بارکر بر ماهیت جمعی رفتاری فضاهای فعالیت تأکید داشته است و تعاملات جمعی در فضاهای فعالیت را به مثابه قابلیت برای فضا مورد تأکید قرار داده است (Barker, 1968).

افزایش قابلیت های بالقوه عملکردی در فضاهای جمعی

مسکن جهت افزایش دلبستگی و تعلق به مکان ساکنین

- از آن جا که قابلیت های بالقوه موجود در مکان بر رفتارها تأثیر می گذارد (پوردیه می، نورتنانی، ۱۳۹۲: ۷). لذا تعیین قلمروهای رفتاری مختلف متعلق به هر کدام از اعضای خانواده در فضای جمعی و در صورت تمایل فرد شخصی سازی این قلمروها، می تواند در جهت ایجاد حس تعلق ساکنین به فضای جمعی مؤثر باشد. بدین معنی که برخی فعالیت هایی که در مسکن امروز به فضاهای شخصی رانده شده اند و فرد مجبور به حضور در اتاق خود برای انجام آن فعالیت ها است، هم به لحاظ احتمال مشترک بودن با بقیه اعضای خانواده و هم به دلیل عدم نیاز به محریمیت مانند خیاطی کردن، بازی کردن و گشتن در اینترنت قابلیت صورت پذیرفتن در فضای جمعی را نیز دارند.

- برخی دیگر از فعالیت هایی که در مسکن امروز به فضاهای شخصی رانده شده اند و فرد مجبور به حضور در اتاق خود برای انجام آن فعالیت ها است، قابلیت صورت پذیرفتن در فضای جمعی را نیز دارند. فعالیت هایی نظیر مطالعه کردن، تلفن زدن ضمن نیاز به حریم، به حریم صلب و بدون نفوذ احتیاج ندارند.

اختصاص بخشی از فضای جمعی به فضاهای خلوت فرد جهت انجام این فعالیت ها، سبب تأمین قلمروی فعالیت و خلوت نسبی برای آن فضا خواهد شد و مانع به خلوت رانده شدن افراد برای انجام آن ها خواهد گشت. تنوع فضایی حاصل از شخصی سازی هر کدام از این جزء فضاها به ایجاد حس تعلق به فضای جمعی نیز منجر خواهد شد.

افزایش حس آرامش و آسایش ساکنین از طریق

ارتقای کیفی فضای جمعی

فراهم آمدن امکان گفتگوهای خانوادگی و تحکیم مبانی آن، تأمین نیاز انسان به دوست داشتن و دوست

- انعطاف پذیری: انعطاف پذیر بودن فضای جمعی، امکان سازگاری و انطباق با تغییر نیازهای اعضای خانواده را افزایش داده، فضا قابلیت خود را با تغییر شرایط از دست نمی دهد.

- دعوت کنندگی: رعایت شاخص های دعوت کنندگی نظیر قابلیت دسترسی بصری و کالبدی و نفوذپذیری به فضاهای سرزنده و ورودی ها، در میزان استفاده ساکنین از فضاهای جمعی مؤثر می باشند. به عنوان نمونه، اکثر ساکنین معمولاً به آن دسته از فضاهای جمعی که به محیط شخصیشان نزدیک تر است بیشتر تمایل نشان می دهند (Harrison, 1983). این فضاها باید فضاهایی متمایز برای فعالیتهای متفاوت فراهم آورند و آن ها را به نحوی به هم پیوند دهند که محتوای عاطفی آن ها، کنش و حیات اعضای خانواده را در آن فضاها را تقویت کند.

- تنوع فضا- فعالیت: فضای جمعی زنده، به عنوان قلب خانه عمل کرده و تمام تسهیلات مشترک مورد نیاز خانواده را در خود داشته، در حالی که در مسیر حرکت ساکنین قرار دارد، با موانع نمادین به روشنی از دیگر عرصه ها تفکیک می گردد.

- ارتباط با آشپزخانه: یکی دیگر از عوامل مهم مؤثر در طراحی فضاهای جمعی مسکن، مجاورت با حوزه فعالیت های روزمره و به عنوان مهم ترین فعالیت، حوزه آشپزخانه می باشد. امکان مشاهده افراد مشغول آشپزی توسط دیگرانی که در فضای جمعی به امور دیگری مشغولند، سبب گفتگوی میان آن ها و سرزندگی بیشتر فضا خواهد شد.

- مبلمان: جغرافیای فضای جمعی و گونه های مختلف چیدمان فضاهای نشستن و اثاث آن، شکل تعامل افراد از گفتگوی صمیمی تا حضور رسمی را تعریف خواهد کرد. هرچه فاصله بین مبلمان بیشتر شود، اطلاعات دیداری، بویایی، گرمایی و جنبشی آن ها از یکدیگر کمتر می شود

و برای حفظ تماس به صدای بلندتری نیاز است. هرچه فاصله بیشتر شود، خلوت شخصی بیشتر می شود و تعامل اجتماعی کاهش می یابد (هال، ۱۳۷۶).

- محرمیت: دور بودن از اشراف افراد بیگانه در فضایی که خانواده به عنوان حریم امن خود در آن سپری می کنند از اصول مهم طراحی چنین فضاهایی خصوصاً در بستر فرهنگی ایران می باشد^{۱۵}.

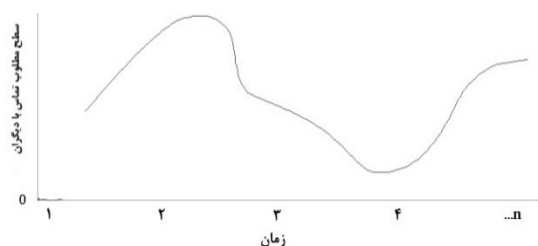
قلمروهای فردی

به منظور دست به دست شدن راحت و سریع واحدهای مسکونی متداول امروز، شمار محدودی اتاق و فضای غالباً کوچک، بدون هویتی روشن و با سیمایی هم ریخت شکل می گیرند که هر یک را معمولاً تنها به نام یک نوع فعالیت یا عملکرد می خوانند. واژه اتاق خواب در فرهنگ کنونی ساخت و ساز متداول شده و واحدهای مسکونی صرف نظر از اندازه و طرح آن ها، با بیان تعداد اتاق خواب معرفی و مقایسه می شوند.

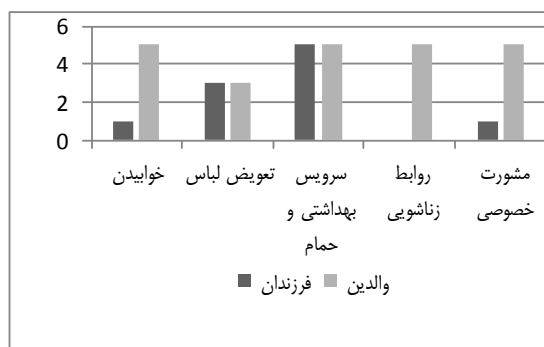
یکی از بسترهایی که دقت در طراحی آن ها منجر به تعامل پذیری مسکن می گردد، قلمروهای فردی^{۱۶} می باشند. در این راستا نکاتی قابل بیان می باشند:

- میزان انعطاف پذیری: گاهی خلوت کسب شده، کمتر از خلوت مطلوب است، اما رضایت انسان را فراهم می آورد. به عقیده آلتن گاهی اوقات تسلیم شدن در برابر تمایل متجاوز به حریم، ممکن است کاملاً خوشایند باشد، شاید بتوان رابطه اجتماعی را گسترش داد یا از تنهایی اجباری، وقتی فرد به دنبال کمک و مشورت می گردد، کاست (۱۳۸۲: ۲۵۷). لذا همیشه نیروهایی در کار است که فرد را وادار می کند مرز میان خود و دیگران را بیشتر یا کمتر از آنچه می خواهد باز کند، بنابراین فرد باید مداوم خود را با تغییر شرایط و موقعیت ها و انگیزه های فردی و گروه انطباق دهد. بنابراین با توجه به دیالکتیک بودن فرایند خلوت خواهی، کالبد تأمین کننده

با کنترل یک یا چند حواس به صورت نیمه صلب و نیمه شفاف با قابلیت تغییر و انعطاف طراحی گردند. کلیه عملکردهایی که نیاز به حریمیت ندارند، می توانند با نفوذپذیری بالا در خارج از قلمروهای فردی واقع شوند تا افراد مجبور به حضور در قلمروهای بی نفوذ جهت انجام آن عملکردها نباشند. به این ترتیب، خلوت کسب شده برای هر عملکرد متناسب با خلوت مطلوب خواهد بود.



ن ۵. خلوت به عنوان فرایندی دیالکتیکی، مأخذ: آلتمن، ۱۳۸۲.



ن ۶. نیاز فعالیت های قلمروی خصوصی به حریمیت. مأخذ: نگارندگان.

همان گونه که نمودار نشان می دهد والدین، بسیار بیشتر از فرزندان نیاز به خلوت صلب دارند. قلمروهای فردی فرزندان فقط برای عملکردهای تعویض لباس، سرویس و حمام احتیاج به طراحی صلب جهت تأمین حریمیت مطلق دارند.

خلوت نیز باید انعطاف پذیری لازم را داشته باشد. لذا قلمروهای فردی باید به گونه ای طراحی شوند تا فرد زمانی که مایل به داشتن خلوت نیست، بتواند مرزهای قلمروی شخصی خویش را به بیرون بگشاید.

- میزان شفافیت: فعالیت های گوناگونی در قلمروهای فردی مسکن معاصر شکل می گیرد. سطح حریمیت لازم هر کدام از این فعالیت ها جهت شکل گیری بدون مزاحمت آن ها نیز متفاوت می باشد. بعضی به حریم های قطعی و بعضی دیگر به سطح پائینی از کنترل شدگی نیاز دارند (نمودار شماره ۵). در صورتی که در طراحی قلمروهای شخصی به توان این تفاوت را لحاظ کرد و ما به ازای هر کدام از فعالیت ها درجه مناسبی از حریمیت را در قلمرو تأمین کرد، از صلیت قلمروهای شخصی کاسته شده، در قسمت هایی با نیاز به حریم کمتر، نفوذپذیری مرزهای جداکننده، بیشتر خواهند بود و همین سبب کاسته شدن از موانع ارتباطی خواهد شد. عملکردهایی که غالباً در قلمروهای شخصی شکل می گیرد و میزان نیاز هر کدام به محرم بودن را می توان به گونه زیر دسته بندی نمود:

عملکردهایی با نیاز به حریمیت مطلق:

- منتسب به والدین: خواب، روابط زناشویی، مشورت خصوصی، تعویض لباس، سرویس بهداشتی، حمام.
- منتسب به فرزندان: تعویض لباس، سرویس بهداشتی، حمام.

عملکردهایی با نیاز به حریمیت نسبی (خلوت دیداری یا شنیداری):

- مطالعه و شنیدن موسیقی برای هر دو گروه.
- عملکردهایی با عدم نیاز به حریمیت:
- تماشای تلویزیون، گشتن در اینترنت، بازی، خوردن غذا، کار کردن، (خیاطی و...) برای هر دو گروه.
- عملکردهایی که نیاز به حریمیت نسبی دارند، می توانند

نقش مفاصل

در پدیده مجاورت فضایی، دو قلمروی فضایی مجاور، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. به منظور حفظ استقلال مطلوب هر یک از آن‌ها، باید تمهیداتی اندیشیده شود تا تأثیرگذاری و تأثیرپذیریشان تحت کنترل درآید. وظیفه کنترل این تأثیرات بر عهده مفاصل است تا به عنوان مرز و حریم در عین اتصال دو فضا به یکدیگر در انفصال و جدایی آن‌ها نیز نقش داشته، با یک وظیفه دو سویه، به برقراری ارتباط کنترل شده، بین دو محدوده فضایی بپردازند (علی‌الحسابی، دانشمند، ۱۳۸۷: ۴).

علاوه بر اهمیت طراحی قلمروهای جمعی و قلمروهای فردی مسکن جهت ایجاد تعامل یا جدایی‌گزینی افراد خانواده، مفاصل فضایی نیز در شکل‌گیری این موضوع نقش عمده‌ای دارا می‌باشند. وقتی استقلال قلمروهای خصوصی از قلمروهای عمومی مسکن موضوع کار طراحی است، فاصله ایجادکردن بین دو قلمرو، تنها شیوه تأمین‌کننده حریمیت مدنظر نیست. با بهره‌گیری از مفاصل فضایی می‌توان استقلال و حریمیت قلمروهای خصوصی را تأمین کرد، ضمن این‌که فاصله بین دو گونه قلمرو را در حد مطلوب تنظیم نمود. بدین منظور انتخاب مفصل مناسب -خطی، سطحی، فضایی- جهت ممانعت از تفکیک‌های غیر ضروری مهم به نظر می‌رسد.

سازمان فضایی قلمروها

خانه معمولاً مرکب از فضاهایی است که با توجه به عملکردشان در کنار هم و در فواصل دور و نزدیک قرار می‌گیرند. این فضاها به شیوه‌های مختلف و توسط یک مسیر حرکتی در ارتباط با هم قرار می‌گیرند. نوع و ترکیب قرارگیری فضاها، مدل‌های ارتباطی مختلفی را ایجاد می‌کند. سازمان فضایی قلمروها و چگونگی ارتباط قلمروهای فردی و جمعی در تمایل افراد به حضور در جمع خانواده و ایجاد تعاملات بین فردی مؤثر می‌باشد.

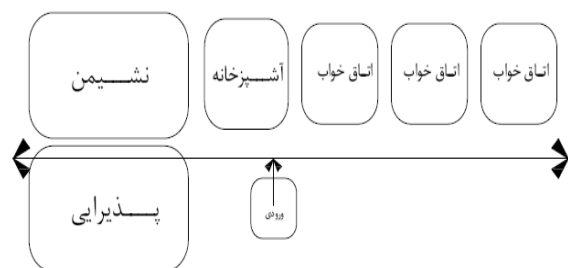
اگر قلمروهای فردی به صورت صلب از هم تفکیک شده و هیچ‌گونه انعطاف‌پذیری در آن وجود نداشته باشد، به دوری‌گزیدن افراد خانواده از هم منجر خواهد شد. در صورتی‌که سازمان فضایی خانه به گونه‌ای طراحی گردد که فضاها، فردی و جمعی، با هم تداخل رفتاری و ارتباطات بصری و شنیداری لازم را داشته باشند، زمینه‌ساز بهبود تعاملات بین فردی در فضای جمعی خانه خواهد شد.

در نظر گرفتن فاصله مناسب بین قلمروهای جمعی و فردی به گونه‌ای که مانع استقلال قلمروها نشده و از طرفی جدایی بیش از حد قلمروها، جدایی ساکنین را به دنبال نیآورد.

سازمان فضایی مسکن معاصر انواع مختلفی دارد که در بررسی‌های انجام گرفته به سه حالت اشاره می‌گردد:

سازماندهی محوری

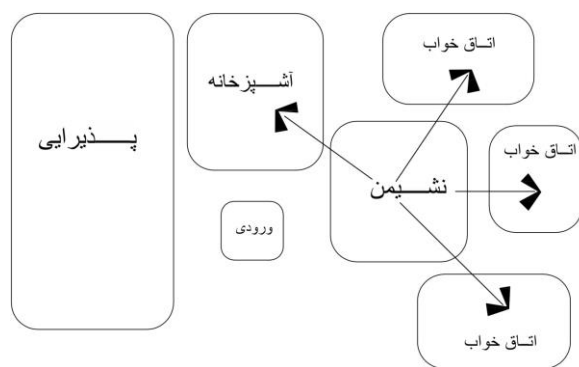
در این نوع سازماندهی، تمامی قلمروها، در طول یک محور شکل می‌گیرند. در سازماندهی محوری، غالباً قلمروی جمعی نسبت به قلمروهای فردی در فاصله دوری قرار می‌گیرد.



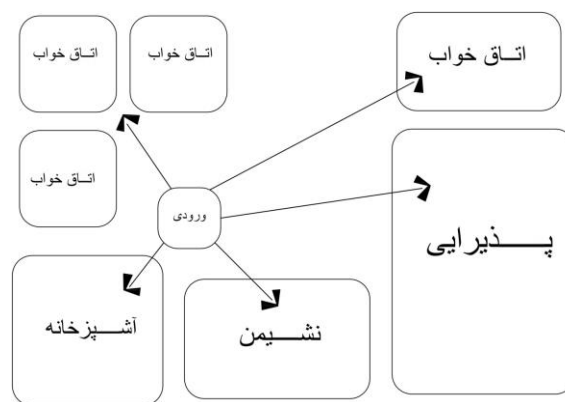
ت ۲. الگوی سازماندهی محوری. مأخذ: نگارندگان.

سازماندهی شعاعی

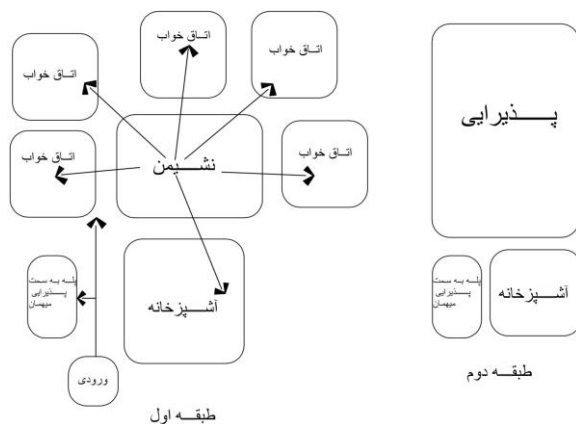
در این گونه سازماندهی، هر کدام از فضاهای خانه در یک سو قرار گرفته و ارتباط قلمروهای فردی و جمعی با یکدیگر به ناچار، کم شده است.



ت ۵. الگوی سازماندهی مرکزی در یک طبقه.
مأخذ: نگارندگان.

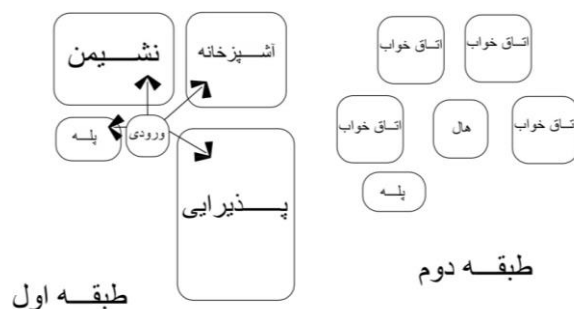


ت ۳. الگوی سازماندهی شعاعی در یک طبقه.
مأخذ: نگارندگان.



ت ۶. الگوی سازماندهی مرکزی در دو طبقه.
مأخذ: نگارندگان.

در واحدهای مسکونی دوبلکس این سازماندهی در ارتفاع نیز می تواند شکل بگیرد.



ت ۴. الگوی سازماندهی شعاعی در دو طبقه.
مأخذ: نگارندگان.

به این صورت مشاهده می شود که نظام فضایی خانه و فاصله فضاها از یکدیگر در ارتباط قلمروها با هم بسیار مؤثر است. مشاهده می شود که امکان تعامل بین فردی در خانه هایی که قلمروی جمعی نقش سازماندهنده مرکزی برای قلمروهای فردی را ایفا می کند، بیشتر است. سازمان فضایی خانه و به عبارتی آرایش قلمروهای فردی و جمعی در خانه نسبت به هم، در جمع کردن افراد در فضای جمعی بسیار مؤثر می باشد. با دو طبقه شدن

سازماندهی مرکزی

در سازماندهی مرکزی، قلمروهای فردی در فاصله قابل قبولی در اطراف قلمروهای جمعی قرار گرفته و ارتباط فضایی مناسبی بین آن ها برقرار می باشد. همچنین محرمیت قلمروی جمعی نسبت به فضای پذیرایی از مهمان حفظ شده است. در واحدهای مسکونی دوبلکس این سازماندهی در ارتفاع نیز می تواند شکل بگیرد.

خانه در واحدهای دوبلکس و طراحی قلمروهای فردی و جمعی در دو سطح جدا از هم، تمایل افراد به حضور در فضای جمعی به شدت کاهش می‌یابد، زیرا قلمروهای فردی و جمعی به ناچار در فاصله دوری نسبت به یکدیگر واقع می‌شوند و طبقه دوم در بیشتر مواقع به «خوابگاه» تبدیل می‌گردد.

با توجه به اهمیت دسترسی راحت و سریع به فضای جمعی، هر چه قلمروهای فردی در نظام دسترسی دورتر و سخت‌تری نسبت به فضای جمعی قرار بگیرند، ارتباط دو گونه قلمرو کمتر شده، احتمال حضور اعضای خانواده در قلمروی جمعی کمتر خواهد شد. فضای جمعی نباید به شیوه فضایی تزئین شده در حاشیه خانه جانمایی گردد، بلکه می‌بایست در دسترس و در قلب خانه قرار گرفته، به گونه‌ای که قلمروهای فردی بتوانند با آن تداخل رفتاری و ارتباط بصری و شنیداری لازم را داشته باشند.

نتیجه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که همواره در فرهنگ ما از قداست خاصی برخوردار بوده است. رشد فرزندان در محیط خانواده شکل گرفته، فرزندان در این محیط آموزش‌های لازم جهت حضور در اجتماع را کسب خواهند کرد.

در صورتی که نهاد خانواده از اهداف وجودی خود دور گردد، آنچه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت، جامعه‌ای است که توسط انسان‌های برخاسته از این خانواده‌ها شکل می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، با توجه به تغییرات فراوان و شتاب‌زده‌ای که در سطوح مختلف فرهنگ جامعه صورت گرفت و تغییراتی که از انسان‌ها، افرادی کاملاً متفاوت از گذشتگان خود ساخت، سبک یا شیوه از زندگی پدید آمد که در خود آسیب‌هایی را نشان

می‌داد. یکی از این آسیب‌ها، جدا شدن اعضای خانواده از هم در درون مسکن بود که علاوه بر این که موجب تزلزل نهاد خانواده می‌گشت، پایداری اجتماعی را هم با مخاطره همراه می‌نمود.

با این که به نظر نمی‌آید سیاست‌های معماری نقش عمده‌ای در شکل‌گیری جدایی‌گزینی فردی در خانواده داشته باشند ولیکن در گسترش و افزایش آن ردپایی از این گونه سیاست‌ها را می‌توان دنبال کرد. از سوی دیگر، هیچ برنامه معماری با دغدغه بهبود تعاملات اعضای خانواده تدوین نشده و این غفلت از آن پژوهشگران حوزه معماری است.

در این تحقیق، الگوهایی از مسکن که زمینه‌ساز شکل‌گیری و بهبود تعاملات بین فردی اعضای خانواده می‌شود، ارائه شده است. این الگوها در چهار بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱- چگونگی طراحی قلمروهای فردی (مربوط به هر یک از اعضای خانواده)؛

۲- چگونگی طراحی قلمروهای جمعی (مربوط به تمامی اعضای خانواده)؛

۳- چگونگی طراحی مفصل؛

۴- روابط فضایی قلمروهای فردی و جمعی نسبت به یکدیگر و نسبت به کل واحد مسکن؛

نتایج حاصل از مطالعه هر کدام از چهار گروه مورد بررسی، به عنوان راهکارهایی جامع مطرح شده‌اند که علی‌رغم این که طراح مسکن را با محدودیت‌های طراحی مواجه نمی‌کند، به ایجاد محیطی سرزنده و با کیفیت که در برگزیده خانواده‌ای منسجم نیز هست، خواهد انجامید.

پی‌نوشت

1. Rappaport Amos
2. Westin

۳. مفهوم حریم خصوصی از زوایای مختلف حریمت بصری، شنیداری، بویایی و دسترسی قابل بررسی می‌باشد.

فهرست منابع

مردمان و خانه‌هایشان چشم ببو شد و در این باره از وی تعهد می‌گیرد و کسی جز مؤذن، آن‌هم در اوقات نماز، نباید بر مناره رود (ابن‌الخوه، ۱۳۶۷، ۲۴۰).

۱۶. مانند مورد قبل غالباً آن‌چه به‌عنوان قلمروی فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد همان فضایی است که به‌عنوان اتاق هر کدام از اعضای خانواده می‌شناسیم.

- ارث‌مند، محمود؛ خانی، سمیه. (۱۳۹۱)، «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره هفتم، صص: ۳۸-۲۷.

- الکساندر کریستوفر؛ چرمایف سرج. (۱۳۷۶)، عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.

- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضاهای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه: علی نمازیان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- پوردیهیمی، شهرام؛ نورتقانی، عبدالمجید. (۱۳۹۲)، «هویت و مسکن، بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی»، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱، صص: ۱۸-۳ - حجت، مهدی. (۱۳۸۷)، مجموعه گفتارهایی درباره خانه، تهران: مرکز هنرپژوهی نقش جهان.

- حکیم، نگار. (۱۳۸۱)، «تحول معماری مسکن ایرانی در دهه‌های نخست قرن»، نشریه معمار، شماره ۱۷.

- راپوپورت، آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه: خسرو افضلیان، تهران: حرفه هنرمند.

- دانش‌گرمقدم، گلرخ؛ بحرینی، سیدحسین؛ عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۹۰)، «تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، صص: ۳۶-۲۵.

- علی‌الحسابی، مهران؛ دانشمند، سارا. (۱۳۸۷)، «ارزیابی ظرفیت همجواری قلمروهای فضایی در واحد مسکونی»، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی، جلد ۱۹، شماره ۶، صص ۳۳-۲۳.

- فرگاس، جوزف. (۱۹۴۷)، روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار

۴. فضای مسجد نیز به دلیل اینکه جایگاهی است که انسان از خود بیرون آمده و در حین عبادت، به عالم دیگر پیوند می‌خورد، قابلیت مطرح شدن به‌عنوان فضای خلوت را دارد.

۵. در قرآن کریم و احادیث تأکید زیادی بر حفظ حریم خصوصی شده است. به‌عنوان نمونه در سوره نور آیه ۳ آمده است:

«به مردان مومن بگو که نگاهشان به پایین بوده و با عفت باشند ...»

۶. در تصدیق لزوم ارتباطات اجتماعی در قرآن کریم آمده: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ».

اگر (از این دستورها) روی‌گردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟!

۷. در نگاهی جامع برای انسان چهار نوع رابطه وجود دارد: رابطه با خود، دیگران، طبیعت و خدا (حجت، ۱۳۸۷).

۸. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به هرم سلسله مراتب نیازهای بشر مازلو. (Maslow, 1954)

۹. در ایران به دلیل تضادها و تناقضاتی که در طول تاریخ وجود داشته و هر روز نیز بیشتر می‌شود، حق هیچ‌کدام از عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی به‌درستی ادا نشده است. (کشفی و دیگران، ۱۳۹۱، ۹)

10. Zhervar
11. Schwartz
12. Alexander

۱۳. با این‌که تنها فضایی که می‌تواند به‌عنوان قلمروی جمعی در خانواده مورد استفاده قرار گیرد نشیمن نیست، با این وجود معمولاً در الگوی مسکن معاصر تنها گونه قلمروی جمعی فضای نشیمن می‌باشد.

۱۴. البته در این بین از تفاوت‌های فرهنگی نباید غافل بود. به‌نظر، ایرانیان ترجیح می‌دهند در خانه‌هایی با فضای بزرگ، سقف بلند و نورگیری فراوان زندگی کنند. در واقع دید بصری از عوامل بسیار مهم در خانه‌های ایرانی است و ایرانیان در چنین فضاهایی، برخلاف اروپائیان که در فضاهای بزرگ احساس ناامنی می‌کنند، احساس خلوت و آرامش دارند و در فضاهای کوچک با دید بصری کم، اغلب دچار احساس ازدحام یا برانگیختگی می‌شوند (فلاح، برهن، ۱۳۹۱: ۲۴).

۱۵. اسلام حفظ حریم افراد را لازم دانسته و رعایت حریم، خصوصاً حریم بصری دیگران را ضروری می‌داند. «ابن‌الخوه» به مؤذن فرمان می‌دهد که چون بر مناره رود از نگریستن به حرم

meanings and values for open areas in the city, Urban Studies 25 (8), 455-473.

- Gibson, James J., 1982, Notes on Affordance. In E. Reed, & R. Jones, Reasons for realism: The selected essays of James J. Gibson (PP. 401-418). Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates

- Harrison, C. M. 1983, Countryside recreation and London's urban fringe, Transactions of the Institute of British Geographers 8, 295-311.

- Huang, S.-C. L. 2010, The Impact of Public Participation on the Effectiveness of, and Users' Attachment to, Urban Neighborhood Parks, Landscape Research 35 (5), 551-562.

- Maslow, A. H. 1954. "Motivation and Personality", New York: Harper & Row.

- Rappaport, Amos 1977, human aspects of urban form: toward a man-environment approach to urban form and design, Pergamum press, new York.

- Westin, A., 1970, Privacy and freedom, Ballantine, New York.

میان فردی، ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، ۱۳۷۳، تهران: ابجد.

- فریادی، شهرزاد. (۱۳۷۸)، «اهمیت اصل قلمرو در طراحی مسکن و فضاهای شهری، مجموعه خلاصه مقالات دومین جشنواره مهندسی ساختمان (مسکن بهینه)، تهران، معاونت نظام مهندسی و اجرای ساختمان.

- فلاحت، محمد صادق؛ برهمن، سارا. (۱۳۹۱)، «خلوت در خانه ایرانی از گذشته تا امروز». نشریه گزارش. شماره ۷۴ و ۷۵، صص: ۳۰-۱۸.

- قاسم‌زاده، مسعود. (۱۳۸۹)، «جایگاه پایه‌ای اتاق در طراحی مسکن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۱، صص: ۱۶-۵.

- قرشی، محمدابن احمد (ابن اخوه). (۱۳۶۷)، آیین شهرداری در قرن هفتم هجری، ترجمه: احمد اشعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۸)، حقوق مدنی (خانواده)، تهران: انتشارات به نشر، چاپ دوم.

- کشفی، محمدعلی؛ حسینی، سیدباقر؛ نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۱)، «نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلند مرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین» نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص: ۱۸-۷.

- گروت، لیندا، وانگ، دیوید. (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران.

- لنگ، جان. (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.

- نقیبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹)، «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده»، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، سال پانزدهم، شماره ۵، صص: ۲۸-۵.

- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶)، مدرنیته و مسکن، رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن، نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، صص: ۶۳-۲۵.

- هال، ادوارد تی. (۱۳۷۴)، بعدپنهان، ترجمه: منوچهر طیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Barker, R. G. 1968, Ecological Psychology: Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior, Stanford, CA: Stanford University Press.

- Burgess, J., Harrison, C. M. & Limb, M. (1988), People, parks and the urban green: a study of popular